



کشاورزی نیز بخوبی مشخص است و نیز سعی در هر چه بیشتر مهار کردن و هرز رفتن آبهای جاری در درون کانالهای اصل و فرعی یا مزارع.

۲- زمین: زمین بعنوان یکی دیگر از زیر بناهای کشاورزی باید از نظر تثبیت موقعیت و مالکیت و امنیت اجرائی باید بوسیله مجلس محترم شورای اسلامی وضعیتش روشن تا مشکل بزرگ مالکیت زمین در ایران حل گردد و بدین وسیله گامی در جهت اجرای سایر برنامه ها برداشته شود. پس از تصحیح دو موضوع فوق اینک باید به اجرای یک سری سیاستها و برنامه ها اقدام نمود.

الف - منطقه ای کردن کشت: اصولاً هر محصول زراعی و غیر زراعی براساس یک آب و هوا و زمین خاص بیشترین و بهترین بهره دهی را دار است. مثلاً شرایط اقلیمی مناسب برای کشت یونجه با شرایط مناسب برای کشت برنج و یا شرایط کاشت درختان میوه سردسیری در یک منطقه یا

## سیاستها و رئوس پیشنهادی جهاد در زمینه اقله

کاشت درخت بسته تفاوت فراوان دارد در مجموع میتوان میزان بازدهی یک محصول را علاوه برخواص بلری و ژنتیکی معلول عوامل زیر دانست:

۱- نوع خاک ۲- PH خاک ۳- شوری خاک ۴- آب و هوا ۵- وضعیت جوی ۶- طرز زندگی و پراکنش جانوران زنده و سایر عوامل و براین اساس با برنامه ریزی و تحقیق اولیه باید روشن شود که هر منطقه مناسبترین شرایط را برای کدام محصول دارا میباشد و پس از رسیدن به این دانستنیها با اجرای سیاستهای ارشادی و ترویجی باید اقدام به منطقه ای کردن کشت نمود.

ب - اولویت و توجه خاص به کشت ارقام استراتژیک، مهم بعنوان شاخص محصولات کشاورزی در کوتاه مدت و میان مدت باید توجه ما معطوف محصولات زیر باشد:

گندم - جو - برنج - ذرت - چغندر قند - پنبه - دانه های روغنی - یونجه ذرت علوفه ای و...

در صورت رسیدن به خودکفائی در این محصولات بی نیاز شدن از واردات این محصولات گام بزرگی در جهت اهدافی که بر شمردیم برداشته شده است. در مورد گندم بعنوان اصلی ترین محصول کشاورزی ذکر نکته زیر در مورد اهمیت کشت گندم دیم و توجه بیشتر بان لازم به توضیح است.

میزان بارندگی در حد متوسط و کم است. در رابطه با آب بعنوان زیر بنای کشاورزی مشخصاً سیاست ما باید براین منوال باشد که استفاده هر چه بیشتر از آبهای جاری روی زمین بشود و نیز از طریق احیاء قنوات و ایجاد سدهای خاکی باید سعی در حفظ آبهای زیر زمینی بشود و این موضوع در اصول ۱۹ گانه سیاستهای وزارت

**\* سیاست کشاورزی ما باید بگونه ای تنظیم شود که بر پایه استفاده هرچه بیشتر از نیروی انسانی ما باشد.**

**\* اساس استفاده هرچه بیشتر از آبهای جاری زمین از طریق احیاء قنوات و ایجاد سدهای خاکی می تواند از اصول سیاست کشاورزی ایران باشد.**

مقدمه:

ناگفته پیداست که وابستگی سیاسی منوط به وابستگی اقتصادی است و اولین شرط عدم وابستگی سیاسی یک کشور رها شدن از یوغ و بند وابستگی اقتصادی است تا قبول این شرط و این اصل و با توجه با بافت اقتصادی و ترکیب جامعه و استعداد کشور ایران باید توجه داشت احیاء شدن کشاورزی در سر فصل رئوس کارهای اقتصادی دولت و مجلس در جهت تحقق بخشیدن به اصل فوق باشد. یعنی باید تمام هم و سعی دولت و دست اندرکاران اقتصادی بر این باشد که کشاورزی ایران احیاء شده و پلی باشد برای عبور از این مقطع زمانی. بدین معنی که با شکوفائی و خودکفائی بخش اقتصاد کشاورزی میتوان به خودکفائی در سایر زمینه ها رسید. نکته دیگر در رابطه با کشاورزی مستله ایجاد اشتغال است که بدینوسیله یکی از مهمترین مسائل جامعه یعنی بیکاری چه آشکار و چه پنهان در این رابطه تا حدود زیادی مرتفع میگردد.

با توجه به مقدمه فوق، سیاستهای پیشنهادی و رئوس اقتصاد بخش کشاورزی جهاد براساس مطالب زیر پیشنهاد میگردد.

۱: آب با توجه به اینکه در اغلب نقاط ایران

ما نزدیک به ۷ میلیون هکتار زمین در حال حاضر زیر کشت گندم دیم داریم و معدل بازدهی آنها در هکتار زیر نیم تن است یعنی بین ۵۰۰-۴۵۰ کیلو گرم در هکتار و براساس اظهارات کارشناسان با دو یا سه اقدام ساده می توانیم از همین مقدار زمین تقریباً دو برابر گندم بدست آوریم. در حالی که ما از کل این مقدار زمین در حال حاضر حدود ۳/۵ میلیون تن گندم برداشت می کنیم و می توان این ۳/۵ میلیون تن را به ۷/۵ میلیون تن رسانید و آن بدین طریق است که اولاً با شخم عمیق شیارهای عمیقتری زده و دانه را بیشتر زیر خاک کنیم که رطوبت بیشتری جذب کند. دوم سطح زیر کشت دیم را هموارتر کرده و شیب زیر آنها را اصلاح کنیم که از شستشوی خاک و هز آب جلوگیری شود. سوم اصلاح بذر گندم دیم است.

ج) مسئله دیگر حفظ محصولات از گزند آفات و بیماریها از طریق ارائه روشهای غیر شیمیایی

## کشاورزی

است که در این رابطه بسیار کم کار شده است و توجه دولت و مسئولین مخصوصاً سازمانهای تحقیقاتی و اجرایی وزارت کشاورزی در زمینه دفع آفات را به این نکته مهم جلب می کند که در زمینه دفع آفات سم شیمیایی آخرین حربه ما بر علیه حشرات مضر باید باشد و از روشهای بهزرایی، مکانیکی، فیزیکی و بیولوژی بیشتر باید بهره گرفت. و در عین حال توجه بیشتر به قرنظینه داخلی و خارجی ما را در مقابل هجوم آفات وارداتی بیمه می کند که ارشاد و ترویج زارعین در مورد انجام مبارزه فیزیکی، زراعی و بهزرایی نقش تعیین کننده در کاهش کاربرد سموم خواهد داشت. لازم به توضیح است که مصرف بی رویه سم علاوه بر هدر دادن بودجه و ارز مملکت و وابستگی اقتصادی باعث آلودگی هوا، آب و خاک و نیز مقاومت آفت میگردد.

د) در زمینه بذر و اصلاح بذر از طریق همکاری مستقیم و هماهنگ جهاد و وزارت کشاورزی این نقیصه مهم کشاورزی مملکت یعنی تولید و تکثیر تعداد مورد نیاز بذر اصلاح شده و مقاوم بر طرف خواهد شد که در این زمینه از طرف جهاد طرحهای پیشنهادی و قابل اجرا وجود دارد و پیشنهاد میگردد که ادارات اصلاح بذر و نهال در شهرستانها از امکانات جهادسازندگی شهرستان در اینمورد بهره بیشتری بگیرند.

جهاد

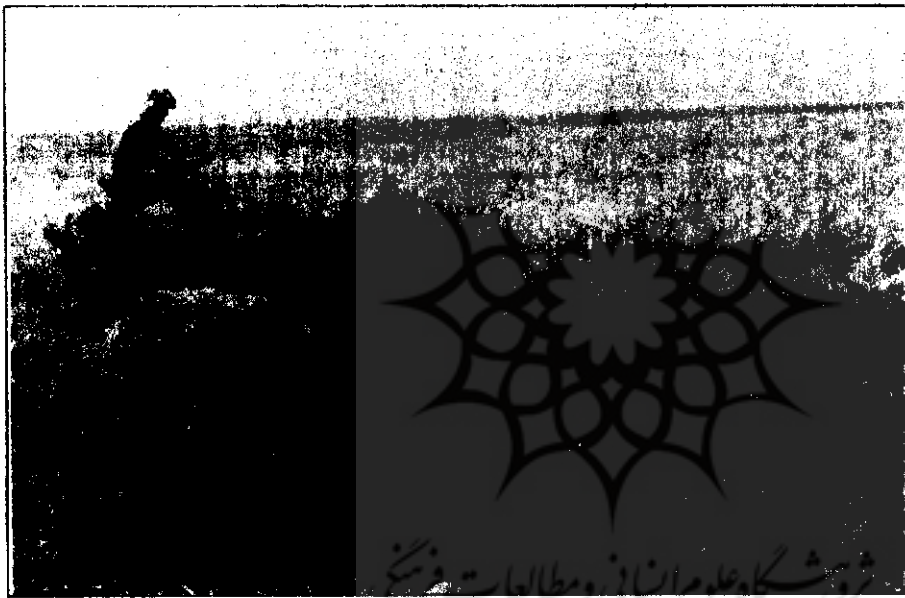
را به کشت محصولات مهم بایستی توجه کنیم که اجرای یک سری برنامه های ارشادی، ترویجی لازم و ضرورت کار خواهد بود. که در طرح منطقه ای کردن کشت در رئوس برنامه های دولت در کشاورزی گنجانده شده و کمیته کشاورزی جهاد نیز باین مهم واقف است، ولی مسئله مهم بیمه محصولات مهم و تثبیت قیمتها و تضمین خرید است که این طرح هرچه زودتر باید بوسیله وزارت کشاورزی تهیه و به مجلس شورای اسلامی تقدیم شود تا زارعین گندم کار یا علوفه کار و یازارعینی که ما به آنها می گوئیم که چه بکارند و چه نکارند تضمین مادی داشته باشند.

بعنوان مثال در منطقه دشت قزوین که هم آب بوفور یافت می شود و هم زمین از کیفیت بالائی برخوردار است زارعین بخاطر منفعت بیشتر اقدام به

پنبه بکارند نمی توانیم بگوئیم که سود نبره و ضرر بکند بلکه باید سیاستهایی اتخاذ گردد که درآمد حاصله از کشت گندم همیا و همسان با درآمد حاصله از کشت هندوانه باشد و یا سیاستی بکار برد که مثلاً کشت هندوانه محدود انجام گیرد و همچنین در مورد سایر زراعتهایی که فعلاً در اولویت نیستند و یا مثلاً در مورد درختکاری، که در این مورد همانطور که اشاره شد بیمه تضمین خرید و تثبیت خرید و محدودیت کشت و تخفیف حق آب و نیز توزیع نهادهای کشاورزی از عوامل اجرایی و تضمین حسن اجرای کار از عوامل اجرایی این طرح خواهند بود.

ز) سیاست اشتغال زانی:

سیاست کشاورزی ما باید بگونه ای تنظیم شود که برپایه استفاده هرچه بیشتر از نیروی انسانی ما



باشد، یعنی تا وقتی که نیروی انسانی بیکار در کشور ما هست ما باید نسبت به مکانیزه کردن و ماشینی کردن کشاورزی وقت بیشتری داشته باشیم. و درصد مکانیزاسیون و رشد مکانیزاسیون کشاورزی ایران باید با توجه به سیاست فوق تنظیم گردد. البته این بحث شاید مطرح شود که اقتصادی نخواهد بود و در نهایت هزینه محصول در یک هکتار بعلت گران بودن و وقت گیر بودن نسبت به ماشین بیشتر خواهد بود مثلاً هزینه و جین با دست و یا علف کش شیمیائی و کمباین و درو یا کارگر قابل مقایسه نیست و از طرفی وقت گیر خواهد بود، قبول است ولی باید توجه کنیم که در مجموع اقتصاد مملکت این مسئله باید حل گردد ولو اینکه بطور مقطعی یک محصول گرانتر از حد معمول تمام گردد، زیرا بیکاری آفت مخرب یک مملکت و یا یک سیاست است.

بقیه در صفحه ۶۳

صیفی کاری و هندوانه کاری می کنند که در هر هکتار سود بسیار بالائی نصیب آنها میگردد که قابل مقایسه با درآمد زارع گندم کار نیست و یاد زمان رژیم منحوس گذشته وقتی در دشت خوزستان بجای اینکه گندم یا نیشکر و یا پنبه بکارند به کشت مارجوبه و تولید آن اقدام می کنند و استدلال میکردند که یک کیلو مارجوبه میدهم و چهارکیلو گندم می خریم و در اینجا سخن ما این است که بلی، ولی با تولید مارجوبه از دو سو ما را به امپریالیسم جهانی و سران استکبار جهانی نیازمند می کنند چرا که وقتی که مارجوبه تولید می کنیم مجبوریم که به آنها بفروشیم و از طرف دیگر بارابطه ای که برقرار نمی کنیم باید گندم از آنها بخریم و در واقع از دو سو به آنها وابسته ایم پس این سیاست در جهت قطع وابستگی نیز تبیین گردد.

خوب وقتی که ما می خواهیم که این زارع هندوانه نکارد، مارجوبه نکارد و مثلاً گندم بکارد یا

## سیاستهای و رئوس .....

س) توجه به تولید و افزایش علوفه در رابطه با دامداری  
است که می توان در این رابطه با توجه به اینکه در سال ۱۷۰۰/۰۰۰ تن علوفه وارد کشور می شود با محاسباتی که شده است از ۲۰۰/۰۰۰ - هکتار زمین به این مقدار می رسد که بدو طریق زیر عملی است. الف: خوب ما در حدود ۱ میلیون هکتار زیر کشت گندم آبی داریم در صورتیکه اگر از طریق گندم دیم به حد خود کفایتی برسیم می توان ۲۰۰ هزار هکتار زمین مذکور را به این کار اختصاص داده و بقیه را به چغندر قند و بنه یا سایر محصولات اختصاص داد.  
ب: و یا از طریق کشت و توسعه علوفه های دیمی در بسیاری از مناطق می توانیم به مقدار فوق دست یابیم.  
بطور کلی در رابطه با سیاست کلی کشاورزی ما باید سیاست جامع تولیدی کشاورزی را داشته باشیم، متأسفانه در سال گذشته هندوانه بیش از حد نیاز مردم تولید شده بود و در بسیاری از مناطق هندوانه قابل فروش نبود و در بسیاری مناطق بخاطر

تخمه اش کاشته شد و این خود ناشی از نداشتن یک سیاست کشاورزی است و این در حالی است که ما برای کشتن سویا از زمینهایمان استفاده نمی کنیم و از خارج سویا وارد - می کنیم بنابراین سیاست بایستی یگانه ای باشد که اولویت را به کشت بعضی از محصولات که بنظر ما اول گندم و بعد علوفه و سوم دانه های روغنی است بدهد.  
در رابطه با تولیدات درختی و سردرختی و میوه های درختی با نیاز به یک نظارت و ارشاد جدی و آمارگیری نیز لازم است بطوریکه میزان سبب درختی که تولید می کنیم بیش از حد نیازمان هست و در مورد سایر درختان نیز به همین صورت است. همانطور که ملاحظه می شود با مطالعه متون فوق تداعی میگردد چون اجرای این سیاستها در میان مدت، کوتاه مدت و بلند مدت نیاز به تضمین اجرائی دارد و با توجه به بافت وزارت کشاورزی و وجود جهاد سازندگی می توان تحلیل زیر را در مورد حسن اجرا ارائه داد.  
۱- در مورد کار و عملیات زیر بنایی و تحقیقاتی و آموزش متخصص این وظیفه کماکان

بعهد وزارت کشاورزی خواهد بود و برادران وزارت کشاورزی براساس این سیاستها در خدمت اهداف - فوق خواهند بود.  
۲- ولی در زمینه کازهای توزیع سیاستهای ارشاد و ترویجی و مسائلی از قبیل بیمه و تضمین و تثبیت نقش ارگانی مثل جهاد - سازندگی که نهادی است انقلابی و مردمی و سابقه کار مردمی دارد خودنمایی میکند که بدون کمک احسن از این نهاد و سپردن این امور به جهاد سازندگی در پیاده کردن این طرحها و سیاستها موفق نخواهید بود، بلکه باید بطور دقیق و هماهنگ با تقسیم وظیفه مسائل و کارائی که در تماس با زارعین بوده و دولت نقش حامی و ارشادگر دارد و اصول ترویجی بعهد جهاد واگذار شود تا تضمین حسن اجرای این طرح شده باشد. در رابطه با برنامه ریزی در سطح کشور، استان و شهرستان در امر کشاورزی باید کمیته برنامه ریزی جهاد و وزارت کشاورزی بطور مشترک و ازمای عمل نمایند.  
کمیته کشاورزی دفتر مرکزی جهاد سازندگی

## شروع جنگ بدر .....

برای استراحت. اطلاعات رسیده بود چه از مکه و چه از بیرون به وسیله طلحه بن عبیدالله که کاروان مکه از شام برمیگردد. پیامبر علی رغم آن اطلاعات رسیده، دو نفر را برای اطلاعات بیشتر فرستادند. که از نزدیک مسائل را دنبال و تعقیب بکنند. ببینند اینها تعدادشان چقدر است به کجا میروند، و چه برنامه ای هست؟ «بسبس» و «عدی» دو تن بودند که آنگونه که در تاریخ آمده برای اطلاعات رفتند البته قبلا دو نفر رفته بودند آنها می بایست از راه و نحوه ورود و مکانی که کاروان بود، اطلاع پیدا میکردند. ایندو نفر هم برای اطلاعات بیشتر و دقیق تر به عنوان دسته دوم اطلاعاتی و اکتشافی حرکت کردند. خود پیامبر هم با ۳۱۴ (یا ۳۱۳ یا ۳۰۸ تن - این ارقام در تاریخ ذکر شده است - از مدینه خارج شدند. سپاه شامل مهاجرین و انصار و کسانی بود که برای نبرد با مشرکین داوطلب شده بودند تمام نیرو و امکانات جنگی مسلمانان دو اسب بود و هفتاد شتر و تعدادی شمشیر و زره و اغلب چوبدستی و سنگ و... داشتند. در مقابل، کاروان بسیار معتبر و بسیار قابل توجهی با امکانات وسیع داشت از شامات برمیگشت.  
پیامبر گفتند: «بروید شاید از این کاروان به شما روزی ای بدهد» بالاخره این باید دست مایه ای باشد برای تهیه وسایل و ابزار که باید در جنگ در اختیارتان قرار بگیرد. هدف این بود که کاروان را مصادره بکنند و از این طریق هم ضربه ای به منافع مالی و اقتصادی شرکت بزنند و هم بتوانند اموال

## جهاد

کاروان را در اختیار نیروهای اسلام قرار بدهند. آن دوفتر، «بسبس» و «عدی» رفتند، سرچاههای بدر و گشتی زدند و اطلاعاتی کشف کردند که ببینند که کاروان چه امکاناتی دارد، از چه نقطه ای آمده و از کجا حرکت کرده است. دیدند دو زن دارند آنجا صحبت میکنند (اینگونه که مورخین نوشته اند) نیز مردی آنجا هست و چند تازن، سرچاههای بدرند بدر دهکده ای بود، و بازاری داشت. اینها آمده بودند سر این چاهها آب بیرند. مردم میآمدند از این چاهها آب بیرند برای استفاده شترشان و یا خودشان. دیدند که این زنان دارند تعریف میکنند. اینها آن بالاها، گشت و گذاری کردند و نشستند و گوش به صحبت این زنان دادند. یکی از زنان از دیگری طلبی داشت. گفت طلب مرا چرا نمی پردازی؟ گفت: کاروان امروز، فردا می آید و چون من برای کاروان کار میکنم، وقتی پول از کاروان گرفتم - یعنی اغلب مزدوران کاروانها بودند، وسط راه برای آن کاروانها کار میکردند - به محض اینکه این کاروان بیاید، من سعی میکنم پول شما را بدهم. اینها از این اطلاعات متوجه شدند که کاروان آنطور که آن زن گفت، دو روز دیگر می بایست به چاهها میرسید، اینها بسرعت برگشتند که اطلاعات را به پیامبر برسانند. از آن طرف ابوسفیان هم وحشت تمام داشت چون دو سه سربیه قبلی وحشتی برای دشمن ایجاد کرده بود - لذا بخاطر آن وحشت و خوفی که در او بود، مواظب بود که مبادا مسلمین حمله بکنند. بر سرچاههای بدر که رسید برای اینکه با اطمینان کافی از منابع و